[شمیم یاس](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/3674)، [بهمن 1385، شماره 47](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3674/6070/0)

**نکات کاربردی تبلیغ**

**حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی**

|  |
| --- |
| 1. با صراحت و محکم بگو، بلد نیستم، نمی دانم، آیاتی هست که می گوید نمی دانم: «سبحانک لا علم لنا...»  2. مخاطب را به نحو احسن بشناسیم و مطابق نیاز او صحبت کنیم.  3. کلاس داری، تبلیغ یا سخنرانی 20 دقیقه، حداکثر نیم ساعت باشد و الاّ مستمعین خسته می شوند.  4. کلیاتی را که همه قبول دارند نشانه نگیرید؛ مثلاً نگویید که سینما بد است، در این گونه موارد، جزئیات بد را بیان کنید، بگویید فیلم بد، بد است.  5. با فطرت جنگ نکنید و در برابر فطرت نایستید و با آن مخالفت نکنید.  6. در برخورد با دیگران بر محرّمات حساس نشوید و بر مکروهات هم حساسیت نشان ندهید. مثلاً نگویید: آقا! چرا نماز نخواندی؟ چرا فلان کار زشت را انجام دادی؟ بلکه اول از صفات خوب او شروع کنید.  7. چیزهایی که در ذهن مردم ارزش است، آن را ضد ارزش جلوه ندهید.  8. مطلب و محتوا به گونه ای باشد که عامه مردم بفهمند و خواص نیز بپسندند.  9. همیشه از راه مثبت بحث را پیش بگیریم، مثلاً بگوییم زندگی پس از مرگ.  10. در تبلیغ از قصه شروع کنید. مانند قرآن، مثل سوره یوسف. قصه را هم که می گویید، حرکات مناسب با قصه باشد، تُن صدا، آهنگ و لحن با آن قصه تطبیق بکند.  11. مواظب خنّاس ها در کلاس ها و سخنرانی ها باشید و مواظب باشید که به شما خط ندهند.  12. در مقابل انتقاد افراد چه کنیم؟ ببینیم چه کسی خبر آورده است؟ اگر قضیه ای که برای ما نقل کرده ثابت شد به مسئولان قضایی خبر دهیم و اگر ثابت نشد اعتنا نکنیم.  13. آفت ها و آسیب های مسیر را بشناسید و بشناسانید تا موانع کار برطرف شود.  14. اسلام را از مسلمان ها جدا کنید: «الاسلام شی ء و المسلم شی ء آخر»، حساب خرافات را از حق جدا کنیم.  15. آنچه که در تبلیغ نقل می کنید عقلی و قطعی باشد و یا نقل قطعی باشد؛ مثل قرآن یا روایات قطعی.  16. از عرفا چیزی نقل نکنید؛ چون مستند به آیات و روایات نیست و آنها هر چه بگویند شاید برای خودشان حجت باشد ولی برای دیگران نمی تواند حجت باشد.  17. روی اخلاقیات تکیه کنید که مستند به آیات و روایات است.  18. بر خواب تکیه نکنید و در سخنرانی خواب را بیان نکنید.  19. دین تان، سخنرانی و تبلیغ تان را از قرآن بگیرید و سپس از روایات قطعی.  20. اگر خط تان خوب نبود از آن استفاده نکنید، بلکه فقط روی خطابه و کلمات توجه کنید.  21. تبلیغ بر چند نوع است:  الف) تبلیغ سمعی: نوار؛ اوصیکم و من بلغه کلامی.  ب) تبلیغ بصری: کاریکاتور، نقاشی.  ج) تبلیغ عملی: کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم، صلوا کما رأیتمونی اصلی.  د) تبلیغ معنوی: خذ اربعة من الطیر مانند آهن داغ کردن حضرت امیر برای عقیل برادر خودش.  22. سراغ کارهای پر سر و صدا نروید چون: الف) مشک پر، سرو صدا ندارد، مشک نیمه خالی سر و صدا دارد.  ب) پول اسکناس سروصدا ندارد، پول خُرد سروصدا دارد.  23. مبلّغ باید قالب ساز باشد نه قالب پذیر.  24. مبلّغ در مقابل سیاسی باید سیاسی باشد و همچنین در مقابل افراد دیگر مثل خودشان رفتار کند.  25. کتاب های مهم و بزرگ را خلاصه و بیان کنید.  26. توجه کنید که در تبلیغ از چه طریقی وارد شوید: «هو الذی یصلی علیکم و ملائکته...» یعنی از طریق شادی وارد شوید.  27. هنگام تبلیغ انگشتر و... نداشته باشید و همچنین قیافه تان درست باشد تا اصل تمرکز یعنی حواص مخاطب پرت نشود.  28. برای تازه نگه داشتن روحیه و رفع خستگی همه آنچه بلد هستند و در کلاس گفتید را، با هم تکرار کنید.  29. به عنوان حکم ثانوی بعضی اوقات بعضی چیزها بر مبلغ حرام می شود. مثلاً خوردن و آشامیدن در خیابان، سیگار کشیدن و... .  30. گاهی مسائل را باید با هیجان گفت، پس تبلیغ باید با هیجانات باشد تا طرف مقابل حساس شود.  31. گاهی سکوت هم لازم است و همین سکوت یک کودتا می کند و در طرف انقلاب به وجود می آورد.  32. در تبلیغ و سخنرانی ها و... از ضرب المثل ها استفاده کنید که مسئله را برای مخاطب خیلی ملموس می کند. مثل «من کان له الغنم فله الغرم».  33. اول ملاک درست را در اختیار طرف قرار دهیم. مثلاً کدام شجاع، سخی، عابد و اهل حق است و بعد صاحب آن را بشناسیم اعرف الحق تعرف اهله.  34. در مقابل موارد حساس و نامتناسب با تبلیغ، مسیر را طفره برو و مسئله را عوض کن و موضوع را تغییر بده، مثلاً به جای استحاضه. استعاذه بگو و خودت را نجات بده. مثلاً کسی برای خنده و بر هم زدن جلسه بپرسد استحاضه چیست؟ در جواب او با تبدیل کردن کلمه به استعاذه و پاسخ آن از اصل سؤال طفره برو.  35. موضوعات کاربردی را «تابلو» کنیم و در جای مفید بزنیم تا در دید همه باشد.  36. قضیه یا خاطره را گونه ای بیان کنید تا قابل اثبات باشد و در مقابل آن تناقض پیش نیاید، مثلاً بعضی ها را شکنجه کردند نه اینکه فلان کس را شکنجه کردند و این کردند و آن کردند.  37. چیزهایی که غیر طبیعی باشد روح نمی پذیرد و قابل اثبات نیست، پس آن را نگویید چون انسانی که مادیات غیر طبیعی را قبول نمی کند در معنویات به طریق اولی غیر طبیعی را نمی پذیرد.  38. آنچه می گوییم یا واجب است یا مستحب، یا نیاز جامعه است و یا نیاز فرد. یعنی غیر از این، موارد دیگر را برای مردم نگویید که مورد نیازشان نیست.  39. ما نباید در بیان، این قدر انشعاب و شاخه شاخه درست کنیم که مخاطب گیج شود.  40. در بیان معارف از «اصطلاحات» نامأنوس و نا آشنا استفاده نکنید.  41. در خداشناسی، به جای خدای موجود، بیش از آن خدای محبوب را ثابت و بیان کنیم.  42. اگر در گفتار بالجمله نمی شود فی الجمله عمل کنید. مواظب باشیم مطابق دهان خودمان و شخصیت مان حرف بزنیم، مثلاً پیرمرد می تواند به دختر جوان عزیزم بگوید ولی جوان نمی تواند. برادرانی که می خواهند تبلیغ کنند یکسره از خواهرها شروع نکنند.  43. آبرو، درست کردنش یک عمر می خواهد و از بین رفتنش یک دقیقه هم نمی خواهد لذا مواظب باشیم که آبروی ما به هدر نرود.  44. اگر قیافه مبلّغ جذاب و قشنگ باشد باید به جلسه خواهرها نرود.  45. اگر نگاه به خانمی کردی، عکس او مثل دود در ذهن می ماند و اگر عکس در ذهن ماند بعد مقایسه می کنی با خانم خود و... و مشکلات بعد به وجود خواهد آورد. لذا از اول در ذهن، عکس کسی را جای مده.  46. هر دروغ گفتنی حرام است، اما هر راست گفتنی واجب نیست، همه چیزها را برای مردم نگویید.  47. در آخر دعا کردن فراموش نشود، آن هم با همان موضوع سخنرانی.  48. اگر به شما موقعیت بدهند مواظب وسوسه ها باشید.  49. در جای پر سر و صدا دنبال کار نگردیم، مهم اخلاص است. بعد منتظر امداد الهی باشیم، یعنی دنبال شهرت و پول و... نباشیم.  50. تحمل و صبر داشته باشید، با تبسم و آرامش و نرمی برخورد کنید. به خصوص در مورد کوچکترها، مثلاً مورچه و حضرت سلیمان.  51. اسلام با سادگی پیش می رود نه با تجملات.  52. باید مطلق باشیم، رنگ تاجر، زن، پول، و بازاری به خود نگیریم و وابسته به کسی نباشیم.  53. نهی «الفقیه کل الفقیه» نقل نکنیم «لیس کل ما یعلم یقال: الناس اعداء ما جهلوا».  54. در قرآن اگر دو کلمه در کنار هم باشند، اولی حتما مهم تر است، به آن توجه داشته باشید.  55. از گفتن مسائل با احادیثی مانند «الغیبة اشد من الزنا» بپرهیزید چون مثلاً جوان تصور می کند:  الف) گناه زنا از غیبت کمتر است ب) کیفیت زنا بیشتر لذت دارد، پس می رود به سمت گناه زنا.  56. اگر سخنران خوبی باشیم مردم عاشق ما می شوند و ما هم که رفتنی هستیم. اگر سخن قرآنی باشد جذب قرآن می شوند و قرآن هم که ماندنی است.  57. مبلّغ باید کار خودش را با عشق و علاقه انجام دهد.  انتخاب و تنظیم از:  سید ارشد حسین موسوی دانش آموخته سطح سوم، رشته علوم قرآن و حدیث، کشمیر  **پی نوشت ها:**  1. سوره بقره (2) آیه 32.  2. سوره احزاب (33) آیه 43. |